



- دکتر سیدمهدی میردامادی*
- مهندس حسن آقاجانی**

ارتباطات سنتی و انتقال تجارب در روستای "مر"

پیشگفتار

روستای "مر" از توابع شهرستان ساوه در استان مرکزی می‌باشد. جمعیت آن از ۷۰۳ نفر قبل از اصلاحات ارضی (پیش از سال ۱۳۴۲) به ۷۵ نفر در حال حاضر می‌رسد. روند کاهش جمعیت در این روستا را عمدتاً می‌توان به سه دوره تقسیم نمود:

اول، دوره منتهی به اصلاحات ارضی که روابط کاملاً سنتی بوده؛ دوم، دوره بین اصلاحات ارضی و انقلاب اسلامی، که در این دوره مدیریت روستا دستخوش تغییرات زیادی گردید و سوم، دوره بعد از انقلاب اسلامی که در اثر انجام عملیات عمرانی احداث جاده، مدرسه، لوله‌کشی آب، حمام و انتقال برق و تلفن جلوه جدیدی پیدا کرده است، ولی در نتیجه تغییر الگوی تولید، مصرف و معیشت و از بین رفتن ارتباطات سنتی و عدم جایگزینی مناسب، از ظرفیت‌های بالقوه استفاده مطلوب نشده است.

مقدمه

توجه به ریشه‌های تاریخی تحولات اجتماعی، روابط بین افراد و گروه‌ها، انتقال سنتی تجارب و یافته‌های مفید و افزایش تدریجی یافته‌های سودمند و قوام و دوام اصول کار و تولید، قبل از تعریف و تدوین و تصویب راه و روشهای مدرن و امروزی ترویج کشاورزی می‌توانست ترویج را به ابزارهای قابل پذیرش جوامع تجهیز نماید. روابط موجود بین افراد و گروهها بصورت سنتی و انتقال مهارت‌ها، دانش و نگرشها به صورت بومی خود نوعی ترویج بوده که متناسب با الگوهای مختلف هر جامعه می‌باشد و می‌توانیم آن را ترویج سنتی بنامیم.

ارتباطات سنتی انتقال مستقیم و سینه به سینه را تضمین و دستاوردهای ارزشمندی را نصیب هر جامعه بومی می‌کند. این امر پیامدهای مفید و پایداری بر جای گذاشته است.

در این مقاله سعی شده با روش مطالعه موردی یک روستا از بعد ارتباطات درونی و برونی و اثرات آن در تغییر دانش، بینش و روش نظام خودجوش ترویج سنتی روستا و مدیریت جمعی امور روستایی معرفی گردد.

گرچه ارتباطات درونی و برونی جوامع روستایی در دوره‌های مختلف متناسب با علوم و تکنولوژی معاصر همان دوره بوده است ولی نقش غیر قابل انکار فرهنگ هر جامعه و به عبارت بهتر حتی فرهنگ هر روستا در نظام ارتباطی آن روستا تأثیر گذاشته و آن را با روستای دیگر متفاوت نموده است.

ارتباطات بومی این خصیصه بسیار مطلوب را داشته که در مواجهه با نوآوریها و

* اسنادیاری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات
** کارشناس ارشد، معاونت زراعت وزارت جهاد کشاورزی

ایمن مانده است. این شهرستان در سال ۱۳۱۶ تابع استان گیلان، و زمانی از توابع استان همدان، مدتی جزئی از ده بزرگ و تابع استان تهران بوده است. در حال حاضر از شهرستانهای استان مرکزی می‌باشد. این شهرستان از دیرباز در فعالیت‌های کشاورزی و تنوع تولیدات زراعی و باغی و دامی معروف بوده است. روستای مر در قسمت‌های کوهستانی واقع و دارای ۱۴۰ هکتار زمین زراعی-باغی و در حدود ۷ هکتار مرتع اختصاصی می‌باشد، این در حالی است که از مراتع عمومی مشترک بین چند روستای همجوار نیز می‌تواند در جهت دامداری بهره‌برداری نماید. منبع آب اصلی کشاورزی رودخانه مزلقانچای است که با یک رشته نهر به طول ۷ کیلومتر آب مورد نیاز را به اراضی کشاورزی هدایت می‌کند. کتاب فرهنگ جغرافیای ایران جمعیت این روستا را در قبل از اصلاحات ارضی ۷۵۰ نفر ذکر نموده که در حال حاضر این تعداد به ۷۵ نفر کاهش پیدا کرده است.

تحولات، بسیار حساب شده عمل نماید و بخش‌هایی از آنها را طوری بپذیرد که جامعه با حداقل ناسازگاری رو به رو شود. رسوم و عادات و اعتقادات و باورهای هر جامعه در گزینش و بهره‌برداری از ابزار ارتباطی دخالت نموده و حتی در میزان استفاده از آن نیز نقش دانه است. تغییرات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در سطح کلان موجب تغییرات در سطح روستا شده که به نوبه خود در نظام ارتباطی و پذیرش و گزینش، تأثیر داشته است. ارتباطات بین افراد و جوامع سنتی متناسب با ارتباط افراد و جوامع با محیط و مکمل هم بوده‌اند طوری که هیچکدام نقش تخریبی بر دیگری نداشته و حتی در جهت پایداری یکدیگر در تقابل بوده‌اند. در این مقاله مهارت‌ها، مشاغل و ارتباطات موضوعی و تحولات آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد.



محدوده موضوعی در زمینه مشاغل موجود در روستا در سه مقطع تاریخی معاصر که شاهد تحولات بارز است می‌باشد.

روش تحقیق

این بررسی جنبه تک‌نگاری ترویجی دارد و جمع‌آوری اطلاعات براساس مشاهدات و تجارب و زندگی و کار با جامعه مورد نظر است. جامعه مورد نظر کل یک روستا با محدوده جغرافیایی و طبیعی می‌باشد.

کلیات

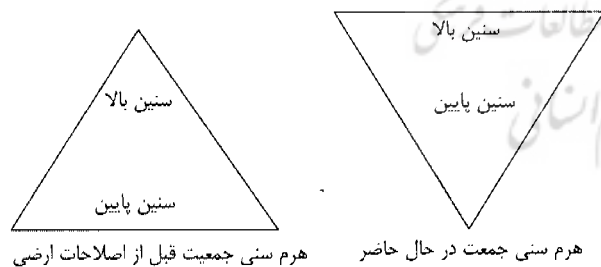
قبل از پرداختن به اصل موضوع به معرفی جامعه مورد نظر پرداخته می‌شود.

روستای مر

روستای مر جزء دهستان مزدقانچای از بخش نوبران از توابع شهرستان ساوه می‌باشد. شهرستان ساوه از مناطق قدیمی، با فرهنگ کهن ایرانی و اسلامی است. در کتاب مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه آمده است که، ساوه در سده‌های نخستین هجری قمری بنا شده است.

این شهرستان تحت تأثیر فرهنگ‌های مختلف قرار گرفته ولی به لحاظ ارتباطات درونی و برونی خاص، هویت خود را همواره حفظ نموده و از ناسازگاری‌های شدید

علاوه بر کاهش شدید جمعیت، هرم سنی کاملاً تغییر یافته، نمای زیر مبین این فرایند است.



ارتباطات بومی این خصیصه بسیار مطلوب را داشته که در مواجهه با نوآوریها و تحولات، بسیار حساب شده عمل نماید و بخش‌هایی از آنها را طوری بپذیرد که جامعه با حداقل ناسازگاری رو به رو شود.

تولیدات روستا در قبل از اصلاحات ارضی علاوه بر تأمین مایحتاج جمعیت مذکور مقداری نیز به سایر روستاها و خارج از روستا صادر می‌شده است. در حال حاضر تولیدات روستا به جز چند محصول مصرف جمعیت فعلی را نیز تأمین نمی‌کند. محصولات عمده روستا عبارت بوده از: گندم، جو، عدس، نخود و لوبیا، سیب‌زمینی، پیاز، بادام، گردو، مویز، شیره، سیب، گوجه، زردآلو، گلابی، هلو، به، سنجد، پونجه، شیدر، لبنیات (ماست، کشک، کره، روغن حیوانی)، گوشت، پوست و... صنایع دستی، قالیچه، گلیم، جاجیم، دستکش، جوراب، سبد و غیره. در حال حاضر روستای مر دارای امکانات نسبتاً خوبی از جمله جاده آسفالت، برق، لوله‌کشی آب آشامیدنی و شعبه توزیع نفت سفید و حمام بهداشتی می‌باشد. وضعیت ارتباطات سنتی و انتقال تجارب و مهارت‌ها از لحاظ تحولات و تغییرات در روابط و مشاغل سه دوره را می‌توان متمایز نمود، این سه دوره عبارتند از:

در ضمن تماس‌هایی که در حین کار و واره‌ها ایجاد می‌شد شنیده‌ها، اخبار، وقایع و اتفاقات و غیره دهن به دهن می‌گشت و اقدامات لازم بر حسب نوع اطلاعات و اخبار و روایات انجام می‌گرفت. نکته مهمی که قابل ذکر است این که هیچکس نسبت به شنیده‌ها یا دیده‌ها یا نقل قول بی تفاوت نبود.

- ۱) دوره قبل از اصلاحات ارضی - منظور از این دوره عبارت است از زمان منتهی به اصلاحات ارضی و قبل از آن؛
- ۲) دوره بعد از اصلاحات ارضی تا پیروزی انقلاب اسلامی؛
- ۳) دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی.

الف) دوره قبل از اصلاحات ارضی

در این دوره مثل تمام روستاهای معمولی در ایران تعداد گروه‌های اجتماعی عبارت بودند از: مالکان، دهقانان و خوش‌نشینان. عرف و عادات محلی موقعیت هر گروه را در رابطه با زمین و اداره امور تولید معین می‌کرد.

مشاغل، مهارت‌ها و مدیریت‌ها

قبل از برشماری مشاغل، مهارت‌ها و مدیریت‌ها لازم است بدانیم که در دوره موردنظر دغدغه عمده سرپرستان خانواده‌ها، انتقال یک نوع مهارت به فرزندان ذکور خانواده بوده که بتوانند شغلی را در آینده بدست آورند تا از طریق آن اسباب معیشت خود را فراهم نموده و سر بار جامعه نگردند بنابراین، حرفه‌آموزی و کاربایی به فرزندان یکی از مشغله‌های فکری جامعه بوده است. برای اداره امور روستا مشاغل زیر مورد نیاز بوده:

۱. شغل دامداری: هر خانوار کشاورزی تعدادی گوسفند و برخی از آنها یک و حداکثر دو رأس گاو داشتند. یک نفر چوپان کلیه گوسفندان را صبح به چراگاه برده و غروب بر می‌گردانید. گوسفندان طبق عادت به محض ورود به آبادی از گله جدا و به آغل‌های خود که جزیی از خانه کشاورز بود می‌رفتند.

هر شخصی نمی‌توانست چوپان ده بشود زیرا این کار نیاز به مهارت خاصی داشت. اگر چوپان تصمیم به کناره‌گیری از شغل خود می‌گرفت یک نفر وردست انتخاب می‌کرد و چند ماه او را با خود می‌گردانید و آموزش می‌داد و پس از آن شغل چوپانی را به او محول می‌کرد. البته این موضوع قبلاً با گوسفندداران عمده در میان گذاشته می‌شد و موافقت آنان جلب می‌گردید. اجرت چوپان در پایان سال برحسب سرانه گوسفند تعیین و به صورت جنسی و معمولاً گندم تحویل داده می‌شد.

علاوه بر مهارت عملی، ویژگی‌های خاص رفتاری و اخلاقی نیز مورد توجه قرار می‌گرفت تا فردی به عنوان چوپان ده انتخاب گردد.

۲. حمامی: متصدی حمام را عمده مالک روستا باید تأیید می‌کرد. حمام در آن زمان به صورت خزینه‌ای بوده و با هیزم و بوته‌های مرتعی (عمدتاً از بوته سفید lactocacta و ورک) گرم می‌شد. خاکستر حاصله متعلق به عمده مالک روستا

بوده و اعضای خانواده حمامی نیز در این کار سهیم می‌بودند. اجرت حمامی نیز به صورت جنسی و بر حسب سرانه اعضای خانوار محاسبه می‌شد، به حمامی عیدی نیز تعلق می‌گرفت که معمولاً به صورت نان، گردو، بادام و از سایر محصولات تولیدی روستا هر خانوار به فراخور حال خود به حمامی می‌داد.

۳. سلمانی: این شغل به مهارت نسبتاً بیشتری نیاز داشت و معمولاً شغل موروثی محسوب می‌شد زیرا پدر به پسر آموزش می‌داد. سلمانی محل خاصی نداشت و در حال گردش به خدمت‌رسانی می‌پرداخت. هر کس در هر موقعیتی (در حال کار، استراحت در کوچه، مزرعه، میدان‌ده و غیره) در صورت نیاز و برخورد به سلمانی از خدماتش استفاده می‌کرد. سلمانی امور دیگری نیز بر عهده داشت که اجرت آن به صورت انعام پرداخت می‌شد.

اجرت سلمانی هم به صورت سرانه اعضای ذکور خانواده و به شکل جنس پرداخت می‌شد. سایر مشاغل عبارت بودند از:



۴. دشت‌بانی؛

۵. کفاشی: پینه‌دوزی. گیوه‌دوزی و تخته‌کشی؛

۶. رشته‌بری: از مهارت‌های زنانه بوده و به مدت ۲ الی ۳ ماه از سال فعالیت داشته ولی به لحاظ گروهی بودن کار در نقل و انتقال اخبار، اطلاعات و تجارب اهمیت فراوانی داشته است.

۷. نان‌پزی: صاحب مهارت نان‌پزی معمولاً مهارت رشته‌بری نیز داشته است ولی بعضی از نان‌پزها فاقد مهارت رشته‌بری بودند.

۸. افسار‌ساز: مهارتی از نوع تجاری بوده و فقط اقدام به ساخت افسار و دسته داس می‌نموده است، معمولاً دسته داس را به سفارش می‌ساخته ولی افسار را قبلاً می‌ساخته و هر کس به آن نیاز داشت از وی می‌خرید.

۹. بیل چاق‌کن؛

۱۰. شیربیز (از مویز): کاری مخصوص مردان بوده و در اواخر پاییز و دو ماه اول زمستان انجام می‌گرفت.

۱۱. پالان‌دوز: این مهارت مختص روستا نبوده و پالان‌دوز به صورت دعوتی از روستای دیگر می‌آمده و چند روزی در روستا اقامت کرده و سفارشات را انجام می‌داده که ناقل و حاوی مشاهدات و پدیده‌های جالب بوده است.

۱۲. لحاف‌دوز: روش کار شبیه پالان‌دوز بوده؛

۱۳. اره تیزکن؛

۱۴. چال‌زن: برای متلاشی کردن سنگ‌های سخره‌ای و تهیه سنگ لاشه برای بنایی و پایه‌های دیوارهای چینه‌ای، حیات و باغها؛

آموزش تخصص‌های ویژه معمولاً با رابطه استاد و شاگردی بوده و به تدریج در ضمن کار انجام می‌شد. آموزش از نوع انفرادی، یادگیری توأم با عمل و مستمر انجام می‌گرفت.

گروه‌هایی از افراد همگن (از لحاظ اخلاق، توان، مهارت، خویشاوندی، حجم کار، همجواری و تشابه کاری) تشکیل و به کمک هم کارهای فصلی همدیگر انجام می‌دادند. حساب کار بر حسب نفر بوده و نوع و سختی کار و غیره منظور نمی‌شد. یعنی اگر به یک نفر ۶ نفر کمک کرده بودند او باید به ۶ نفر متقابلاً کمک می‌کرد. بدین جهت این کار جمعی را نفر به نفر می‌گفتند.

۱۵. چینه کش؛

۱۶. بنا؛

۱۷. نعل بند؛ این تخصص در روستا وجود نداشته و اصولاً در مراکز عمده و پرتردد مستقر بوده و همیشه دارای یک یا دو نفر شاگرد بوده است.

۱۸. دارانداز قالی؛ جاجیم؛

۱۹. آسیابان؛ آسیابان نیاز به مهارت‌های مختلفی داشته تا بتواند ضمن رعایت نوبت با برخوردی شایسته رضایت مراجعین را جلب و آرد مناسب را تحویل و از ابرفتن گندم یا خمیرشدن جلوگیری کند. آسیابان را مالک ده که مالک آسیاب آبی نیز بوده است تعیین می‌نمود.

۲۰. میراب؛

۲۱. ملای مکتب؛ محل تحصیل روستازادگان قبل از سنین کار.

ارتباطات سنتی

ارتباطات سنتی را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد: ارتباطات درون روستا، ارتباطات درون منطقه و ارتباطات شهر و روستا.

روابط درون روستا؛ آموزش تخصص‌های ویژه معمولاً با رابطه استاد و شاگردی بوده و به تدریج در ضمن کار انجام می‌شد. آموزش از نوع انفرادی، یادگیری توأم با عمل و مستمر انجام می‌گرفت.

تبادل تجارب و امور مشورتی و مصلحتی در ضمن کارهای گروهی و تعاونی‌های خودجوش محلی مثل کارهای جمعی (نفر به نفر) انجام می‌شد.

کارهای جمعی و تعاونی‌های خودجوش؛

۱) آبرسانی و لایروبی انهار به خصوص لایروبی نهر اصلی

معمولاً هر سال دو بار نهر ۷ کیلومتری روستا به صورت گروهی لایروبی می‌شود. وقتی که مالک عمده ده یا تصمیم جمعی عمده مالکین توسط

دشتیان یا میراب با جازدن اعلام می‌شد و تاریخ شروع لایروبی تعیین می‌گردد کلیه کارها تعطیل و همه برای لایروبی نهر در محلی که معمولاً میدان وسط ده تعیین می‌شد جمع می‌گردیدند. پس از بحث و تبادل نظر مربوط به نقطه شروع، محل نهار خوردن، چگونگی انجام کار و غیره، کار را شروع می‌کردند. مباشر مالک عمده معمولاً افراد را به گروه‌های چهارنفری تقسیم و برای هر گروه قسمتی از نهر را اختصاص می‌داد و گروه‌ها کار را شروع می‌کردند. هر گروه کارش را تمام می‌کرد مباشر قسمت دیگری را برای آنها تعیین می‌نمود. انجام این کار بسیار جالب و پر هیاهو بود. ضمن کار از هر دری سخن گفته و خاطرات موضوعی، مشاهدات، شنیده‌ها، نقل‌قول‌ها، تجارب و غیره عنوان می‌گردید. مسافرت کرده‌ها، شهر دیده‌ها و مطلعین به بیان مطالب جدید می‌پرداختند. هم کار انجام می‌گرفت و هم آموزش از نوع پنهان و بدون مربی انجام می‌گردید.

۲) کارهای جمعی (نفر به نفر)

گروه‌هایی از افراد همگن (از لحاظ اخلاق، توان، مهارت، خویشاوندی، حجم کار، همجواری و تشابه کاری) تشکیل و به کمک هم کارهای فصلی همدیگر انجام می‌دادند. حساب کار بر حسب نفر بوده و نوع و سختی کار و غیره منظور نمی‌شد. یعنی اگر به یک نفر ۶ نفر کمک کرده بودند او باید به ۶ نفر متقابلاً کمک می‌کرد، بدین جهت این کار جمعی را نفر به نفر می‌گفتند. بنابراین کل گروه در یک روز برای یک نفر کار انجام می‌دادند. صمیمیت و صداقت غیر قابل وصفی در این نوع تعاونی وجود داشت و رشد دانش و مهارت گروه به صورت همگن و توأم با ایجاد سازگاری با تانی و وقار معمول بوده است.

۳) کارهای جمعی، خصوصی

در این نوع کارهای جمعی هر کس به انجام کار خود می‌پرداخت ولی به لحاظ نزدیک بودن محل کار با یکدیگر به کسب تجارب و تبادل نظر می‌پرداختند، شنیده‌ها

و دیده‌ها بیان می‌گردید و گاهی به یکدیگر نیز کمک می‌کردند. بهره‌وری و کارایی در این نوع فعالیت‌ها نسبتاً بالا بود. به لحاظ مسایل مختلف از جمله ایمنی و امنیتی که امروزه از پیام‌های ترویجی محسوب می‌شوند سعی می‌کردند کارها همزمان انجام و پایان پذیرد. بعضی از کارهایی که بدین شکل انجام می‌شد عبارت بودند از: خرمکوبی، کارهای بارگاه انگور، رشته‌بری، شیرپزی انگور، نان‌پزی و غیره.

۴) شیرواره‌ها

نوعی تعاونی خودجوش محلی در ارتباط با جمع‌آوری شیر بود. به علت کمبودن تولید شیر هر خانوار و عدم امکانات نگاهداری و ذخیره‌سازی با روی هم‌ریختن شیرهای روزانه حجم آن به حدی می‌رسید که میزان آن قابل تبدیل به ماست و دیگر فراورده‌ها می‌شد. نگاهداری حساب شیر هر فرد خود مقوله قابل بررسی دیگری است.

۵) گردهمایی‌ها به مناسبت‌های مختلف از قبیل جشن و سوگ و مراسم



روستای مر جزء دهستان مزدقانچای از بخش نوبران از توابع شهرستان ساوه می‌باشد. شهرستان ساوه از مناطق قدیمی، با فرهنگ کهن ایرانی و اسلامی است. در کتاب مروری بر جغرافیای تاریخی ساوه آمده است که، ساوه در سده‌های نخستین هجری قمری بنا شده است.

غرق آباد مرکز تقاطع راههای ارتباطی بیش از ۴۰ روستا بوده که در دو کیلومتری مر واقع شده و مرکز تجاری بوده است. این مرکز تجاری مرکز نشر اطلاعات و اخبار نیز بوده، هر روستا با تعدادی از کاسب‌ها (مغازه‌داران) بقول معروف روستا طرف حساب بوده و این کاسب طرف حساب رابط بین شهر و مشتری نیز بوده است که مثل ترمینال یکطرفه پستی انجام وظیفه می‌کرده است.

تجمع افراد در این گردهمایی‌ها به شکل خشک و بی‌روح و یک بعدی منظور نبوده بلکه افراد پرجنب و جوش و فعال ضمن پرداختن به منظور اصلی تجمع به مسایل روزمره نیز می‌پرداختند، نیازها و امکانات سبک و سنگین می‌شد و به تصمیم‌گیری می‌رسید.

در ضمن تماس‌هایی که در حین کار و واره‌ها ایجاد می‌شد شنیده‌ها، اخبار، وقایع و اتفاقات و غیره ذهن به ذهن می‌گشت و اقدامات لازم بر حسب نوع اطلاعات و اخبار و روایات انجام می‌گرفت. نکته مهمی که قابل ذکر است این که هیچکس نسبت به شنیده‌ها یا دیده‌ها یا نقل قول بی‌تفاوت نبود.

روابط درون منطقه

منطقه منظور روستاهای اطراف است که ممکن است خبر یا تجربه جدید زودتر به آنها برسد.

(۱) تماس با روستاییان اطراف در مسیر نهر عمومی. نهر عمومی از محل انشعاب از رودخانه تا آخرین آبگیر از حریم ۵ روستا عبور می‌کرد. آبیاری و میراب‌ها در سر نهر با روستاییان در تماس بوده و بدلیل تماس‌های مکرر ارتباط دوستانه برقرار و اطلاعات و اخبار انتقال می‌یافت.

(۲) تماس با سایر روستاییان همجوار در آسیاب. وقتی آسیاب بار می‌شد صاحب بار، میراب، صاحب آب، صاحبان نوبت و آسیابان فرصتی داشتند تا دور هم نشستند و با فراغ خاطر صحبت کنند. محور صحبت معمولاً از تجارب و اطلاعات و اخبار کشاورزی و بررسی مشکلات و آرایه راه‌حل‌ها بر حسب مهارت‌ها و تجارب یکدیگر می‌بود.

(۳) انتقال اطلاعات و اخبار از طریق فروشندگان دوره گرد. این اطلاعات از طریق زنان روستا دریافت و به خانواده‌ها منتقل می‌گردید.

(۴) انتقال اطلاعات توسط افرادی که جهت انجام کارهای مختلف به روستاهای دیگر عزیمت و مراجعت می‌کردند.

(۵) هم‌نشینی مالکان عمده روستاهای مختلف و انتقال اطلاعات از طریق مباشران آنها به کشاورزان.

(۶) گردهمایی بزرگ منطقه در روز سیزده بدر. در این روز نوآوریها و تجارب به نمایش گذاشته می‌شود. انواع بدر صیفی و سبزی، دسته‌بیل، افسار، داس، ابزار پیوند و... به معرض فروش گذاشته می‌شود. گروه‌های همگن دسته‌دسته شده و دور هم جمع شده و به بحث و تبادل نظر می‌پرداختند. مسابقات مختلف از جمله کشتی نیز برگزار می‌شد. بسیاری از دوستی‌ها و باب مرادها از این جا شروع

در دوره موردنظر دغدغه عمده سرپرستان خانواده‌ها، انتقال یک نوع مهارت به فرزندان ذکور خانواده بوده که بتوانند شغلی را در آینده بدست آورند تا از طریق آن اسباب معیشت خود را فراهم نموده و سر بار جامعه نگردند بنابراین، حرفه‌آموزی و کارایی به فرزندان یکی از مشغله‌های فکری جامعه بوده است.

می‌شد.

روابط شهر و روستا

روش‌های ارتباطی روستا با شهر عبارت بودند از:

(۱) نامه: در این دوران نامه‌نگاری بسیار مرسوم بوده و بیشترین اطلاعات از طریق نامه از شهر به روستا می‌رسید.

غرق آباد مرکز تقاطع راه‌های ارتباطی بیش از ۴۰ روستا بوده که در دو کیلومتری "مرز" واقع شده و مرکز تجاری بوده است. این مرکز تجاری مرکز نشر اطلاعات و اخبار نیز بوده، هر روستا با تعدادی از کاسب‌ها (مغازه‌داران) بقول معروف روستا طرف حساب بوده و این کاسب طرف حساب رابط بین شهر و مشتری نیز بوده است که مثل ترمینال یکطرفه پستی انجام وظیفه می‌کرده است. به این ترتیب که نامه از شهر به روستا از این نقطه عبور می‌کرده است. پشت پاکت پستی یا پاکت‌نامه به هر طریقی که ارسال می‌شد عبارت: "غرق آباد- آقای حاج ... زحمت کشیده برسانند در روستای ... به مشهدی ... مفتوح فرمایند" به چشم می‌خورد. در این نامه‌ها که تعداد آنها نیز چشمگیر بود بعد از عرض دعا و سلام با ذکر نام همه آشنایان، ذکر احوال نویسنده و سپس مختصری در حد توان نویسنده از اوضاع و احوال و اخبار مبدأ و در پایان با یک بیت شعر هر که باشد در حال ما برسان همه را یک بیک سلام و دعا برسان نوشته می‌شد. این نامه‌ها علاوه بر ایجاد ارتباط بین شهر و روستا و انتقال اطلاعات از شهر به روستا در روستا نیز موجب تقویت روابط می‌گردید.

(۲) از سفر برگشته‌ها: از اواخر پاییز تا اواخر اسفندماه مسافرت به سوی شهر در جریان بود که خود حدیث مفصلی دارد. ارتباطات داخلی به قدری شفاف بود که غیبت و حضور هر فرد مشخص می‌گردید. وقتی مسافری از سفر برمی‌گشت چندین شب منزل او مقصد شب‌نشینی بود و از اوضاع و احوال شهر، مشاهدات و خاطرات سخن می‌رفت.

(۳) مسافران: افرادی مثل فروشندگان دوره‌گرد که از شهرهای دور می‌آمدند یا افرادی که به گدایی می‌پرداختند (رمال، دعانویس، درویش و...) هر جا منزل فراهم می‌شد بیتوته می‌کردند. همسایگان منزل محل اقامت مسافر مقصد شب‌نشینی می‌شد و مسافر باید به سوالات آنها پاسخ می‌داد.

(۴) خوش‌نشینان به خصوص آرتیزان‌ها به دلیل تماس بیشتر با خارج از منطقه اطلاعات زیادی کسب و نشر می‌کردند.

(۵) سوغاتی‌ها: مسافران و از سفر برگشته‌ها در صورت برخورد با نوآوری‌های سازگار با روستا با خود به محل حمل و



کارهای اجتماعی و گروهی تقریباً حذف و انجام کارها اعم از ماشینی یا دستی با پرداخت دستمزد جایگزین گردید. بنابراین ارتباطات سنتی تقریباً محو ولی ارتباطات جدید و متناسب جایگزین نگردید. شب‌نشینی دیگر وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، دیگر صحبت از انتقال تجارب وجود ندارد. نامه‌نگاری دیگر انجام نمی‌شود، وقت خالی افراد روستا را تلویزیون پر می‌کند.

اطلاعات مربوطه همراه آن منتقل می‌شد. انواع درختان میوه و بذور مختلف و ابزار کار بدین وسیله وارد روستا می‌شده است.

محافل و مراکز تبادل تجارب و اطلاعات و اخبار

در عصر مورد نظر در روستای "مر" گرچه مدرسه اجتماع وجود نداشت که هنوز هم وجود ندارد ولی می‌توان گفت روستا و مزارعش مدرسه اجتماع بوده است. موقعیت‌های تجمع عبارت بودند از: محل کارهای گروهی، کارهای اجتماعی واره‌ها، آسیاب، حمام عمومی، محل‌های توزیع آب در مسیر نهر اصلی، میدان روستا و غیره بوده است.

مدیریت امور روستا

۱) **امور اطلاع‌رسانی:** اگر جهت تجمع نیاز به دعوت تک‌تک افراد بود توسط مباشر مالک عمده یا سلمانی انجام می‌گرفت و اگر نیاز به دعوت انفرادی نبود توسط دشتبان و گاهی حمای در کوچه‌ها جار زده می‌شد و موضوع به اطلاع عموم می‌رسید. عمده‌ترین اطلاعات که به صورت جارزدن منتشر می‌شد عبارتند از: روز لایروبی نهر عمومی، اعلام محدوده قرق، اعلام موارد قدغن و اعلام تجمع جهت برنامه‌ریزی تشریفات و غیره بود.

۲) اعلام شروع شخم، کاشت، برداشت و سایر موارد زراعی و باغی مشابه توسط دشتبان انجام می‌گرفت.

۳) تصمیم‌گیری در مورد تنظیم تناوب، آیش و کشت خوان توسط جمعی از مالکین عمده انجام می‌گرفت.

۴) تعیین میزان اجرت چوپان، شروع چرا، تعیین منطقه چرا و تعیین مسیر توسط تعدادی از افرادی که گوسفند زیادتری داشتند و در حریم مسیر مالک بودند انجام می‌شد.

۵) تعیین نوبت آسیاب بین روستاهای همجوار، اجرت آسیاب با عمده مالک ده بوده است.

۶) بقیه امور بصورت مشورتی انجام می‌گرفت.

ب- دوره بعد از اصلاحات ارضی و قبل از انقلاب اسلامی

بعد از اصلاحات ارضی تحولات زیادی در ساخت و بافت اجتماعی ایجاد گردید. گرچه در این روستا مالکان و میزان مالکیت تغییری نکرد ولی قدرت و نفوذ مالکان روز به روز ضعیف‌تر گردید. ارکان تصمیم‌گیری تغییر نمود، ورود مأموران جدید به روستا از جمله سیاه دانش و تأسیس مدرسه و شرکت تعاونی روستایی در غرق‌آباد تأثیر عمیق در مدیریت روستا گذاشت. الگوی درآمد و مصرف نیز دچار تحولات شد که خود موجب تحولات در مشاغل و مهارت‌ها گردید. ورود تراکتور به روستا در ترکیب روستا و روابط روستاییان و برنامه کاری آنها تغییرات چشمگیری ایجاد کرد.

مشاغل، مهارت‌ها و مدیریت‌ها

شغل چوپانی بتدریج از بین رفت و اداره دامداری روستا به حالت نوبتی در آمد یعنی گوسفندان ده را هر روز صبح در میدان جمع می‌کردند و هر روز یک نفر همه

آنها را به چرا می‌برد. چون تعداد گوسفندان هر کشاورز با سایر کشاورزان برابر نبود برای برقراری عدالت می‌برد. چون تعداد گوسفندان یا بز صاحب گوسفند یک روز به نوبت می‌رفت. تعیین نوبت و سهم هر نفر را یکی از کشاورزان که معمولاً دام بیشتر داشت و مورد قبول سایرین هم بود بر عهده داشت. تعداد گوسفندان رو به کاهش گذاشت.

در این دوره بتدریج از ارزش کار حمای کاسته می‌شد برای تعیین حمای دیگر نیازی به تأیید مالک نبود.

مشاغل دشتبانی، افسارسازی، پالان‌دوزی، لحاف‌دوزی، اره‌تیزکنی، نعل‌بندی، مکتب‌داری، آسیابانی، میرابی و کفافی بتدریج ارزش خود را از دست می‌دادند و ورود کالاهای ساخته‌شده و آماده موجب تضعیف بیشتر این مشاغل می‌گردید.

مشاغل رشته‌بری، نان‌پزی، شیرپزی، جالبزکاری، چالزنی، چینه‌کشی، بنایی، چال‌کنی و داراندازی کم‌اکن وجود داشت.

تجارت چوب گردو رونق زیادی گرفت. مالکان با حرص و ولع درختان تنومند گردو را قطع کرده و می‌فروختند و حمل‌تنه درختان روستاییان را به مزایای حمل و نقل بار با ماشین آشنا می‌کرد که تأثیرات فراوانی در الگوی زیستی بر جای گذاشت. مهاجرت‌ها تشدید گردید و جوانان برای کارایی به شهرها روانه شدند. دیگر کسی حاضر به شاگردی مشاغل یادشده نمی‌شد. نوع جدیدی از مشاغل علاقه جوانان را جلب کرد که مظاهر شهری مزید بر علت بود.

ج- دوره بعد از انقلاب اسلامی

در این دوره نیز تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرات زیادی در مشاغل و مهارت‌ها و مدیریت‌ها بر جای گذاشت، دایرشدن نانوایی‌ها، تأسیس شهرهای جدید و تبدیل مراکز تجاری روستایی به الگوی شهری، جایگزینی کامل عملیات خاک‌ورزی دستی با تراکتور، ایجاد بازارهای مصرف در نزدیکی روستا بیشتر مشاغل قدیمی حذف و مشاغل جدیدی را جایگزین نمود. انجام عملیات عمرانی احداث جاده، انتقال نیروی برق، تأمین آب بهداشتی الگوی زیستی را تغییر داد. کارهای اجتماعی و گروهی تقریباً حذف و انجام کارها اعم از ماشینی یا دستی با پرداخت دستمزد جایگزین گردید. بنابراین ارتباطات سنتی تقریباً محو ولی ارتباطات جدید و متناسب جایگزین نگردید. شب‌نشینی دیگر وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، دیگر صحبت از انتقال تجارب وجود ندارد. نامه‌نگاری دیگر انجام نمی‌شود، وقت خالی افراد روستا را تلویزیون پر می‌کند. رادیو در دوره دوم یعنی پس از اصلاحات ارضی مخصوصاً در اواخر دوره کاربرد وسیعی داشت و اخبار رادیو و برنامه دهقان که پرشنونده‌ترین برنامه بود تقریباً در این دوره حذف گردیده است.

از برنامه‌های آموزشی که جهت روستاییان تدارک دیده می‌شود انتخاب‌گزینشی به عمل نمی‌آید. دامداری جنبه‌ای کاملاً انفرادی پیدا کرده است. به دلیل تغییر الگوی کار، تولید و زندگی شرایط کاملاً دگرگون شده است. آفات و امراض گوناگون در مزارع و باغات مشاهده می‌گردد. سمپاشی‌های بی‌رویه تعادل طبیعی را تحت‌تأثیر خود قرار داده است. از استعداد تولیدی روستا به طور مطلوب استفاده نمی‌شود زیرا سیستم مدیریت سنتی و ارتباطات بومی از بین رفته و سیستم مناسب جدیدی جایگزین نگردیده است. در این دوره کشاورزان در مواقع ضروری در مسجد و مدرسه دور هم جمع می‌شوند ولی اجتماعات پی در پی و مرتبط به هم نیست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. مطالعات بیشتری در مورد ارتباطات سنتی باید انجام گیرد و محاسن آنها استخراج و به گونه‌ای در تدوین برنامه‌های آموزشی بزرگسالان مورد استفاده قرار گیرد.

۲. ایجاد تشکلهای جدید و کارهای گروهی و جمعی در ارتباط و متناسب با رفتارهای تاریخی مردم و سوابق کارهای گروهی و جمعی سنتی باشد.

۳. پیوسته زمینه‌سازی ایجاد سازگاری و کاهش عوامل ایجاد ناسازگاری در مواجهه با تحولات و تغییرات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کنترل تحولات لحاظ شود.

۴. در انتقال نوآوری نباید تعجیل نمود و تا یک تغییر به صورت کاملاً پخته و مورد پذیرش جامعه مورد نظر در نیامده است از ایجاد تغییرات بعدی حتی‌الامکان پرهیز و یا تغییرات را کنترل نموده و یا جهت داده شود.

۵. می‌توان اجتماعات خودجوش مردم روستایی را به مدرسه اجتماع تبدیل نمود.